

سری رساله نویسی در سده اخیر

گفتاری به جای مقدمه

در توصیف مولانا و بررسی احوال او محققان و دانش پژوهان فراوانی در طول تاریخ قلم زده‌اند و به شرح و تفسیر نامه معنوی او در قالب «سر نی» و «بانگ نای» دست یازیدند و دریافت خویش را در «لب لباب» ریختند و اسرار آن را در «جواهر الاسرار» سرشتند و دریای عظیم معانی و کلام او را «در گوزه» ریختند و حیات او را از «پله پله» تا «ملاقات خدا» ترسیم کردند و از سویی دیگر محققانی چون ریتر، فروزانفر، گولپینارلی و افضل اقبال و... در آثاری چون زندگی نامه جلال الدین محمد و شیمل در من بادم و تو آتش و عبدالحکیم در عرفان مولوی و... درباره صورت و سیرت مولانا داد سخن داده‌اند و مقاله‌های فراوانی درباره این شخصیت بزرگ عرفان و ادب تالیف و تدوین شده که نقد و بررسی آنها به عنوان یک اثر جامع و فراگیر بایسته و شایسته است. اما پیش از ورود به موضوع بحث به سیمای او بر اساس متون متقدم و بدون لحاظ متون فوق اشاره می‌کنیم:

در سال ۶۰۴ هجری کودکی در خاندان عرفان، ادب و علم به دنیا آمد که پدر در سن کودکی (۵ سالگی) به او لقب خداوندگار داد. کودکی که در سن ۶ سالگی برخلاف همسن و سالان خویش ولی وار، از لعب و لهوهای کودکانه برحذر بود و هر هفت روز افطار می‌کرد و در سن هفت سالگی از زحمت مجاهدت به رحمت مشاهدت رسید. پسری که آتش به سوختگان عالم زد و در عتقوان جوانی در مقام مقایسه با پدر چون اقیانوسی در برابر دریا به نظر می‌رسید. کسی که دیدار او در دنیا برابر با خاموش شدن دوزخ است و به طور ضمنی خود را از تمامت انبیا و اولیا برتر می‌دید و با دم مسیحایی خویش مرده را زنده می‌گرداند. او نه تنها به مرگ تن و موتوا قبل ان تموتوا توفیق می‌یافت، به تعطیل و تزکیه قوه خیال نیز نائل می‌شود. «نازنین پسر بهاء ولد» برخلاف تصور برخی از صوفیان دور از صافی تا دم آخر از تکالیف شرعی و نماز فارغ نگشت و چون خود را از الهیان می‌دانست پیوسته ذکر الله را بر زبان داشت، چراکه نفس را عیاری قوی می‌دید که شب و روز قرار ندارد و در یک طرفه العین می‌تواند شجاع‌الدین عقل را مغلوب و منکوب سازد. او که خود را وارث نور محمدیه می‌دید و پیامبر نیز در خواب او را فرزند جان خویش می‌نامید، لذا توانایی آن را می‌یابد که در خواص طبیعی اشیا دخل و تصرف کند و درختان را در برابر خویش به سجده و دارد و شفاعت مردگان نماید. مردی زرد چهره، باریک اندام و لاغری که به دلیل کثرت

ریاضت - پانزده روز تمام از طعام و شراب و خواب پرهیز می‌کرد. او بر اساس آیین جوانمردی خویش، مریدان را از چله نشینی و ریاضت‌های سخت برحذر می‌داشت و خود چندان افراط می‌کرد که حتی برای فرو نبردن آب دهان، پیوسته هلیله بر دهان داشت. چهره او چندان مهابت و نور داشت که یاران نمی‌توانستند مستقیماً به چهره جذاب و مبارک او نظر کنند و لباس او نیز همواره پوستین گرگین بود و تا قبل از شهادت شمس (۶۴۵) دستار سپید بر سر داشت و بعد از این سال تا آخر عمر دستار دختانی بر سر نهاد و از برد یمانی و هندی فرجی ساخت و تا آخر عمر لباس ایشان همین بود. همچنین دستار خویش را بر موجب اشارت نبوی «العمائم تیجان العرب» دانشمندانه می‌پوشید. او از یک نظر در میان شخصیت‌های سنت علمای راستین بود می‌پوشید. او از یک نظر در میان شخصیت‌های بزرگ بشری مستثنی بوده و آن تحول بنیادین شخصیتی اوست که به ناگاه از هیئت و لباس فقه و کلام و شریعت درآمده و به قول مریدانش ناقص العقل و متابع توریزی بچه گشت. او بعد از این واقعه از نحو سعدان و صرف خلیل و حدیثا فلان بن فلان دست شست و به حدیثی قلبی عن ربی روی آورد و زلیخاوار نام جمله چیزها را شمس قرار داد و موسی وار در پی خضر خویش، قوم خویش را بیهشت و نعره زنان دلق و سجاده خویش را سوزاند و برای دفع و رفع سوء تفاهم خامان ره نرفته، دریادلی جست و بلبالانه بر بوی گل نعره‌ها زد تا روی محبوبش همچنان در حجاب بماند.

از نظر شخصیت اجتماعی و آداب جمعی نیز ضمن اینکه به هر آحاد و طفل و بیوه زن تواضع و تعظیم می‌نمود و سجده کنان را سجده می‌کرد و در این خلق و مرام فرقی بین مذاهب و اهل فرق قائل نبود در مقابل، از تواضع و تعظیم و تقبیل خلق می‌رنجید. او در برخورد و ارتباط با اهل حرف اعم از خیاط، بزاز و بقال و مردم عادی چندان افراط می‌کرد که گاهی بزرگانی چون پروانه و کیکاووس را به حضور نمی‌پذیرفت. او از وجه فتاوی و تعلیم وعظ زندگانی می‌کرد و هرگز خویش را آلوده منت کسان نساخت و به رعایت حقوق الهی و مواظبت احکام شرعی تأکید داشت و در وقت نماز چندان اشک می‌ریخت که مشک‌ها پر می‌شد. مرگ او نیز - چون حیات او - به دلیل آگاهی و خبر از حقایق عالم، غیر معمول و به قول خودش «به شیوه دگر» بوده و عاشق وار پیش معشوق خویش شکروار و با آگاهی تمام، جان خویش را قربانی کرده است.

اهمیت مولوی در فرهنگ ایرانی چندان بوده که بدون درک شخصیت والای او، امکان بازبینی درست میراث عرفانی ما وجود ندارد چنانکه یکی از نویسندگان معاصر به قیاس سه شخصیت بزرگ ادب و عرفان فارسی پرداخته و سعدی را چشم شاعر، حافظ را قلب شاعر و رومی را روح شاعر می‌دانند.^۲

به واقع کدام شخصیت در عالم اسلام و عرفان توانسته است فراتر از حد و شأن خاص قومی و بومی و بنیان‌گذاری فرهنگ پرمایه ملی و دینی که در ایجاد و غنای فرهنگ بشری نقش برجسته‌ای ایفا کند، به طوری که اندیشمندان سراسر عالم را به رغم همه اختلافات و تفاوت‌های صوری گرد هم آورد. گولپینارلی، انقروی، شمعی، سروری ترک؛ آنه ماری شیمل آلمانی؛ نیکلسون انگلیسی؛ بحر العلوم و ولی محمد اکبرآبادی هندی؛ اقبال لاهوری پاکستانی؛ جامی، حکیم سبزواری، استاد جعفری، فروزانفر، همایی، زرین کوب و سروش ایرانی تنها بخشی از آن اندیشمندانی هستند که بعد از گذشت هفت قرن از وفات مولانا بر سر خوان او نشستند و هر کدام از ظن خویش یار او گشته‌اند و همچنان در اثبات عظمت مولانا و مثنوی او می‌نویسند در حالی که آن دریای بیکران همچنان غواصانی را می‌طلبد تا در کرانه عمیق تر آن شناگری کنند.

و این از آن روست که گوینده آن، وجود منتهی خویش را به دریای نامنتهای عدن متصل نمود بنابراین هرگز از خالی شدن نگران نبوده (متصل چون شد دلت با آن عدن - هین بگو مهراس از خالی شدن) و گرم رویی خویش را حاصل اتکا به آن خورشید حقیقت می‌داند:

«هر که از خورشید باشد پشت گرم

گرم رو باشد نه بیم او را نه شرم

هر پیمبر سخت رو بد در جهان

یک سواره کوفت بر جیش شهان»

(۳/۴۱۴۲)

اهمیت مثنوی در جهان معاصر و رویکرد فزاینده جهانی به مولوی در دهه اخیر

مثنوی این بحر معنوی و نردبان آسمانی در بین آثار عرفانی زبان و ادب فارسی و حتی جهانی جایگاهی دارد که اگر آن را نسخه و خلاصه همه آراء و عقاید اندیشمندان موحد و چکیده تمام اندیشه‌های جهان اسلام و شناسنامه تصوف ایرانی از آغاز تا قرن هفتم بدانیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم. اثری که در شش دفتر و حدود بیست و شش هزار بیت و ۲۶۵ حکایت، ۵۲۸ آیه، ۲۴۵ حدیث، ۱۲۸۱ موضوع مختلف در حکم دایره‌المعارف عرفانی بزرگی است که «با بشنو از نی» آغاز شده و با «زانک از دل جانب دل روزن است» به فرجام رسیده و بنابر وعده خود مولانا چنان فراگیر شده است که مرزهای زبانی، مکانی، نژادی و مذهبی و... را کنار نهاده و از شبه جزیره مالاریا تا ایالات متحده آمریکا را درنوردیده است. اگر بتوان زیباترین اثر مثنوی فارسی را - به قول محمدعلی فروغی - گلستان سعدی دانست و اگر در عالم رندی، غزلیات حافظ و در گستره شعر قلندری، سعدی و در اشعار حکمی، سنایی و عطار یگانه و بی‌نظیر بودند؛ هیچ کدام جامعیت آثار و شخصیت متحول او را که در برهه‌ای خاص سجاده‌نشین باوقار و در برهه دیگر بازیچه بزم

و کوی بوده؛ نداشتند. مولانا از نظر کثرت شعر از تمام شاعران فارسی والاتر بوده و از نظر تنوع شعری نیز قابل توجه است به طوری که مجموع اشعار او به هفتاد هزار بیت می‌رسد که ۴۳ هزار بیت غزل (۳۵۰۰ غزل)، ۱۹۳۷ بیت رباعی و ۲۶۰۰۰ بیت مثنوی است.

اهمیت مثنوی او به قول مرحوم همایی تا حدی است که در صورت نابودی کلیه متون منظوم و منثور، جای خالی کلیه آن آثار را می‌تواند پر کند و قافله سالار اصلاح نفوس و مشعل هدایت سعادت بشری باقی بماند.^۳ چنانکه مولانا خود به ارزش و قداست اثر خویش واقف بوده و آن را گنجینه اسرار و در موضعی دیگر اصول اصول دین، تبیان معنوی و ربانی و اسرار وصول یقین و فقه الله اکبر خوانده است. (مقدمه دفتر سوم) همچنانکه در **مناقب العارفین** نیز در وصف مثنوی از زبان مولانا آمده است: «مثنوی ما دلبری است معنوی که در جمال و کمال همتایی ندارد و همچنان باقی است مهیا و درختی است مهتا خنک جانی که از مشاهده این شاهد غیبی محظوظ گردد و ملحوظ نظر عنایت رجال الله گردد.»^۴



همچنین مولوی در بیان عظمت و جهان شمولی این اثر خویش بعد از بی‌اعتنایی یکی از مریدان نسبت به مثنوی می‌گوید: «این سخن ما برای آن نیامد که پس پشت افتد والله والله از آنجا که آفتاب سر می‌زند تا آنجا که فرو می‌رود این معنی خواهد گرفتن و در اقلیم‌ها خواهد رفتن و هیچ محفل و مجمعی نباشد که این کلام خوانده نشود تا حدی که در معبدها و مصطبه‌ها خوانده شود و جمیع ملل از آن سخن حلال پوشند و بهره‌مند شوند.»^۵ او مثنوی خویش را بر این اساس چون قرآن و آب حیات می‌داند که در عین حالی که کام طالبان طریق را شیرین می‌کند برای منکران زهر هلاهل خواهد بود: (مثنوی، ۴/۳۴۶۰)

عمده ترین و برجسته ترین ابیاتی که مولوی در وصف مثنوی خود آورده به قرار ذیل است:

«پس ز نقش لفظهای مثنوی

صورتش ضالست و هادی معنوی»

(۶/۶۵۸)

«گر شدی عطشان بحر معنوی

فرجه‌ای کن در جزیره مثنوی»

(۶/۶۸)

«مثنوی ما دکان وحدت است

غیر واحد هر چه بینی آن بت است»

(۶/۱۵۳۳)

«گر شود پیشه قلم عالم مدید

مثنوی را نیست پایانی پدید»

(۶/۲۲۵۳) (۴/۷۵۴) (۱/۲۶۰۸)

حسن ختام این بخش دیدگاه برخی از محققان مثنوی پژوه درباره

منابع

| | | |
|--|---|---|
| <p>فرانکلین لویس، روسی، گذشته و -، ص ۵۱۷ تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، ص ۵۱۵ مقدمه منوی نیکلسون ارژانگ، ش ۳، ۱۳۳۹، مکتب فکری مولانا دانشکده ادبیات تبریز، ش ۲، ۱۳۳۷ معارف اسلامی، ش ۲، ۱۳۳۶، به نقل از شیمل کریان اندیشه، ش ۲۰، ۱۳۶۱ حلال، ش ۳، ۱۳۳۶ عرفان مولوی، ۱۳۵۶، ص ۲</p> | <p>ایمان اسلامی، سوره که مملو از اندیشه‌های بلند و متعمق است به لطافت بشری است یکی از آثار شری بزرگ کلیه اصحاب تاریخ است دانشکده ادبیات ایران، تهران و روش ایران، فصلنامه علمی است ادب و معارف، حکمت و فلسفه و عرفان و معارف است بسیاری به اهمیت آن به نقل از شیمل نوشته اند و در جهان ملی و کتب ندارد نویسندگان برای تشکیل منوی شیمل کتب است دائرة المعارف علمی، حکایات و روایات عرفانی است بزرگترین اثر اخص بشری است مفسر کبیر الهی است که در آن با زبان پرشورهای شکسته زنگارهای سامی، سوزناکی مولانا با عناصر شاعرانه، نظریه‌های زیبایی وجود و عبودیت مثل افلاکونی، سیر کمالی، ارسطو، آری ابن سینا و - وجود دارد</p> | <p>عرفان که ادب و عرفان نیکلسون فرهنگ و معارف مکتب فکری مولانا ادبیات شومل عرفان لویس عقده سیدالکرم</p> |
|--|---|---|

منابع

| | | |
|---|---|--|
| <p>مطلب لغزین، ۱۳۶۱، ص ۱۳۶ مجموعه مقالات آنگونزاده فرهنگ و تفسیرات منوی گوهرین مقدمه مولوی نامه و مصباح الهدایه، ۱۳۶۷، ص ۱۷۳ رساله ای در تحقیق - ص ۲۰۲ تاریخ تصوف اسلام، ج ۲، ص ۱۱۰ مقدمه ای بر تصوف، ص ۵۱ دانشکده ادبیات تبریز، ش ۱، ۱۳۳۲ هنرهای باختر، منوی، ۱۳۳۸ مقدمه شرح منوی، گریه زمانی قمار عاشقانه، ص ۲۹ و تفریح منبع، ص ۸</p> | <p>کلام، چون دیگر ما به عظمت این کلام به قدری که در سراسر جهان مرموز است بعد از آن که در آن صفا کلام مولانا نیست گوته ای عرفان است که گفته است مجموعه تصنیف و تفکر مولانا در عالم و دنیای دیگران است که خلاصه تمدن تا کنون است صیغ کتابی از ساخته های ذهن بشری به اندازه منوی الفکر تازه و مطالب زنده ندارد و در هیچ یک از علوم و عقل کتابی مشابه آن وجود ندارد یکی از بزرگترین کتب علمی جهان و عالی ترین بیان و تفکر عرفانی و خلاصه سیر فکری و آخرین نتیجه سلوک عقلانی ابراهیم است از اولین بیت منوی تا آخرین بیت مملو از حکمت و اندازات حکمت بود که مولانا رنگ آرام و حدیث به آن هدایت است بزرگترین خدمت را به تصوف ایرانی و اسلامی و ادب فارسی کرده است اگر در مقام حکمت و عرفان در عالم بی نظیر باشد که نظیر است که مولانا علم و ایمان و درایت و حق و عقل و ایمان را در آن جمع کرده است بزرگترین جنبه عشق و عرفان، عالی ترین زینت و زینت علم و یکی از کامل ترین آثار منوی جهان است بر زنده بوست بهترین اثر عرفانی اندک آری یکی از بزرگترین جلوه های آفتاب بشری است بزرگترین جمله روحانی بشریت است که خطبه برای جلیقه کردن فرهنگ ایرانی آن را به زبان فارسی نطق کرده است مجموعه ذهن رام نطق و وحشی مولانا است و یکی از بزرگ کتب در همه زبان های عالم و یک دوره انسان شناسی کمال عرفانی است</p> | <p>عقده لغزین آنگونزاده محمد منوی همایی فروزانفر فلسفه سقا مستزاده میرزا مرتضوی اسلامی تدوین شهری گدگد میرزا</p> |
|---|---|--|

مثنوی است تا عظمت این اثر سترگ بیشتر آشکار شود:

نگاهی اجمالی به تحقیقات در حوزه مثنوی معنوی

از آغاز سده چهاردهم هجری تاکنون کتابها، فرهنگها، شروح
زیادی به زبان فارسی به ویژه در حوزه مقاله درباره مولانا نوشته شده که
در هیچ مرجعی مورد نقد و بررسی جامع، دقیق و علمی قرار نگرفته است.
به بیان دیگر نوشته‌ها و آثار تحقیقی درباره مولوی در قرن حاضر (با تاکید
بر مثنوی) در حوزه‌های گوناگون و سطوح مختلفی بوده است.
فرهنگ‌نویسی و کشف الایاتها (از دریا به دریا، فرهنگ اصطلاحات

و تعبیرات و...) شرح نویسی (فروزانفر، نیکلسون، شهیدی، گولپیناری
و...)، تحقیقات تطبیقی و تفسیری (همایی، خلیفه عبدالحکیم، کریم
زمانی) و مقاله‌ها و آثار صرفاً تحقیقی و ادبی نمونه‌ای از تحقیقات یاد
شده است که نوع اخیر به دلایل مختلف - از جمله ملاک سنجش و
معیار قرار گرفتن رشد علمی و تولید علم هر کشور به تعداد مقاله‌های آن -
بیش از دیگر تحقیقات مطرح بوده که جدیدترین دستاوردهای علمی و
پژوهشی را در کمترین اجزاء ممکن عرضه می‌کند. همچنین این اقبال
به مولوی در غرب در حوزه مقاله‌نویسی به ویژه نیمه دوم سده بیستم

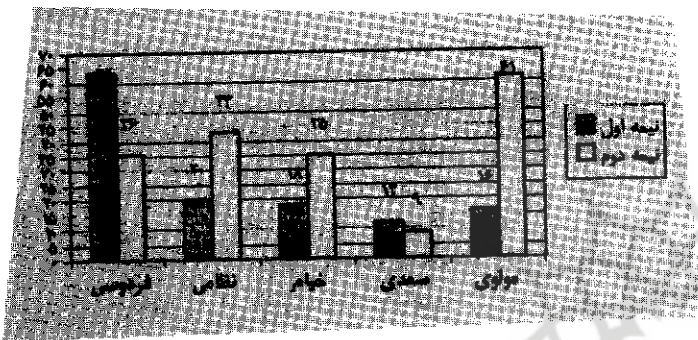
بیش از پیش بوده است.

مقایسه مقاله‌های در باب چند شخصیت بزرگ ادب فارسی در دو نیمه سده اخیر موید ادعای نگارنده درباره گرایش فراوان به مولانا در حوزه مقاله‌نویسی در غرب به ویژه در نیمه دوم آن است.

| | | |
|----|----|--------|
| ۲۶ | ۶۲ | فردوسی |
| ۲۳ | ۲۰ | نظامی |
| ۳۵ | ۱۸ | خیام |
| ۹ | ۱۲ | سعدی |
| ۶۱ | ۱۶ | مولوی |

مقایسه اجمالی مجموعه کتاب‌ها، مقاله‌ها، کنفرانس‌ها و همایش‌هایی که در ایران و جهان درباره این شخصیت و آثار او نوشته و برگزار شده موید همین ادعاست. البته اقبال و توجه به مولوی در خارج از ایران به ویژه در نیمه دوم سده اخیر بیش از دیگر شخصیت‌های ادب فارسی بوده و کنفرانس‌ها و مجالس بزرگداشت او در افغانستان (محل بزرگداشت مولانا در کابل، ۱۳۵۴)، ایتالیا (فستیوال بزرگداشت مولانا در روم، ۱۳۷۲)، آلمان (یادواره مولوی در مونیخ، ۱۳۷۴)، آمریکا (کنفرانس بین‌المللی اندیشه مولانا در نیویورک، ۱۳۷۶)، انگلستان (کنفرانس بین‌المللی مولوی در لندن، ۱۳۷۹) و... تنها نمونه‌ای از این رویکرد است.

در حوزه دایرةالمعارف‌نویسی در خارج از ایران - برخلاف کم‌توجهی فرهنگ‌نویسان ایرانی^۶ - این اقبال بسیار معنی‌دار و قابل توجه است. همچنانکه در *دایرةالمعارف بریتانیکا* درباره نظامی ۱۷ سطر، حافظ ۲۴ سطر، سعدی ۲۵ سطر، فردوسی ۵۲ سطر و درباره مولانا ۷۳ سطر سخن گفته است که بیشترین توصیفات را از نظر کمیت به مولانا اختصاص داده است. این اقبال به مولوی در خارج تنها منحصر در کنفرانس‌ها و دایرةالمعارف‌نویسی نبوده و حوزه کتاب و مقاله را نیز در بر می‌گیرد. فرانکلین لویس در کتاب *Rumi past and present east vand west* به نقل از کریستن ساینس مانتیور نقل می‌کند که شعر مولانا پر فروش‌ترین کتاب سال در آمریکا شده و روز ۱۷ دسامبر هر ماه در آمریکا روز مولوی لقب گرفته و هر ماه یک کتاب درباره او منتشر می‌شود. در حوزه مقاله‌نویسی نیز این اقبال مشهودتر و معنادارتر بوده که مقایسه کمی مقاله‌های درباره چند شخصیت بزرگ ادب فارسی در غرب موید همین ادعاست. کتاب *Index Islamicus* یکی از چندین آثاری است که فهرست مجموعه مقاله‌های جهان اسلام را در هر سال در لندن منتشر می‌کند. در این کتاب چنین آمده که نیمه اول قرن بیستم تنها ۱۶ مقاله به زبان‌های اصلی (انگلیسی، فرانسه و آلمانی) درباره مولانا منتشر شده در حالی که در نیمه دوم آن ۶۱ مقاله (بدون احتساب بیش از یک دهه) درباره مولوی نوشته شده که ۲۲ مقاله مربوط به چهار سال اخیر آن (۱۹۹۳-۲۰۰۱) است. این رویکرد به مولانا در بخش مقاله‌ها در غرب در مقایسه با سایر شخصیت‌های ادب فارسی چون فردوسی، نظامی، خیام و سعدی نیز موید ادعای نگارنده است. چنانکه در چهار سال پایانی (۱۳۷۶-۱۳۸۰) ۲۲ مقاله درباره مولوی، ۹ مقاله درباره فردوسی و تنها یک مقاله درباره سعدی نوشته شده که جنول ذیل موید همین مسئله است.



این رویکرد - در حوزه مقاله‌نویسی - در ایران و به زبان فارسی نیز سیر صعودی داشته که این سیر با رویکرد جهانی تلازم و تلائم دارد. چنانکه در نیمه اول این سده (۱۳۰۰-۱۳۵۰) ۷۲ مقاله درباره مثنوی مولوی نوشته شده در حالی که در نیمه دوم آن و تنها در سه دهه (۱۳۵۰-۱۳۸۰) ۵۶۲ مقاله به زبان فارسی نوشته شده که ۳۶۳ مقاله مربوط به دهه پایانی آن است که طبقه‌بندی و تحلیل تفصیلی آن در بخش بعدی خواهد آمد.



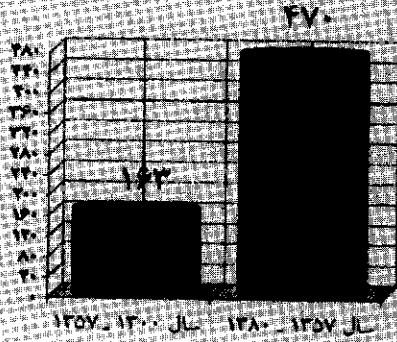
بررسی مقاله‌ها از دیدگاه زمانی

در یک نگاه فراگیر مجموع مقاله‌های درباره مولوی با رویکرد و تکیه بر مثنوی معنوی در سده اخیر (۱۳۸۰-۱۳۰۰) و با توجه به منابعی چون کتاب *فهرست مقالات فارسی* (۱۳۷۵-۱۳۰۰)، کتاب *شناسی مولوی* (۱۳۷۵-۱۳۰۰) و نمایه‌ها و فهرست مقالات مطبوعات فارسی (۱۳۷۰-۱۳۷۰) ۶۳۴ مورد بوده است که توزیع آن در ادوار مختلف به دلایل گوناگون یکسان و یکدست نبوده است. با توجه به استقصاء نگارنده به غیر از دهه نخست که هیچ مقاله (Article) درباره مثنوی نوشته نشده، دهه سوم با ۳ عنوان مقاله (۴۷٪) و دهه هشتم با ۳۶۳ عنوان (۵۷٪) کمترین و بیشترین تعداد مقاله را از نظر کمی به خود اختصاص داده است:

| | | | | | | | | |
|--------|----|----|---|---|---|---|---|---|
| فردوسی | ۲۴ | ۹ | ۵ | ۲ | ۱ | ۶ | ۱ | ۹ |
| نظامی | ۲۰ | ۲۰ | ۸ | ۸ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ |
| خیام | ۱۸ | ۱۸ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ |
| سعدی | ۱۲ | ۱۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| مولوی | ۱۶ | ۱۰ | ۸ | ۵ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ |

از سویی دیگر نگاهی اجمالی به مجموع مقاله‌های قبل و بعد از انقلاب نشان از رشد و افزایش کمی مقاله‌ها در دو دوره می‌دهد. به گونه‌ای که از میان ۶۳۴ مقاله موجود، ۴۷۰ عنوان مربوط به ۲۳ سال اخیر (۱۳۸۰-۱۳۵۷) و ۱۶۳ عنوان مربوط به ۵۷ سال (قبل از انقلاب) است. که از رشد کمی مقاله‌ها در حوزه مثنوی پژوهی در ایران حکایت می‌کند:

| زمان | تعداد | درصد |
|-----------|-------|--------|
| ۱۳۰۰-۱۳۱۰ | ۰ | ۰ |
| ۱۳۱۰-۱۳۲۰ | ۵ | ۰/۷۸ |
| ۱۳۲۰-۱۳۳۰ | ۳ | ۰/۶۲ |
| ۱۳۳۰-۱۳۴۰ | ۲۰ | ۳/۱۷۲ |
| ۱۳۴۰-۱۳۵۰ | ۲۴ | ۳/۷۲۷ |
| ۱۳۵۰-۱۳۶۰ | ۹۹ | ۱۵/۶۱۲ |
| ۱۳۶۰-۱۳۷۰ | ۱۰۰ | ۱۵/۷۹ |
| ۱۳۷۰-۱۳۸۰ | ۳۱۲ | ۴۷/۱۸ |
| ۱۳۸۰-۱۳۹۰ | ۱۲۴ | ۱۹/۰ |

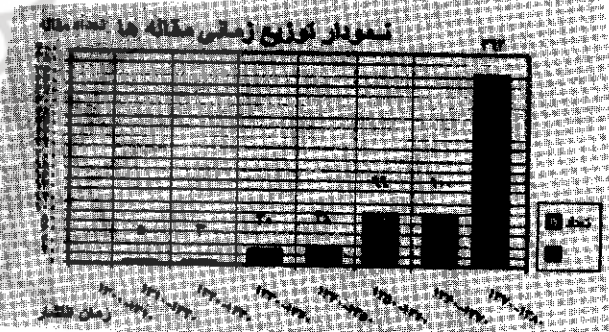


البته این پراکندگی و رشد کمی در نمودار آشکارتر بوده که دلایل رشد کمی آن در دهه اخیر، علاوه بر برگزاری همایش‌ها، همایش‌ها و تحقیقات محققان ایرانی به ویژه در حوزه مولاناشناسی (یادنامه مولوی در ۱۳۳۷، همایش شمس تبریزی در ۱۳۷۷): به دلیل کوشش فراوان محققانی چون استاد همایی و دکتر سروش بوده که به تنهایی ۲۹ مقاله فقط در حوزه مثنوی تالیف کرده است:

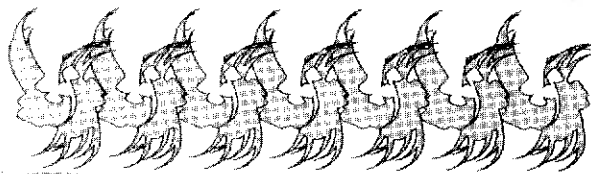
نگاهی به دلایل رشد کمی و سیر صعودی مقالات در سنوات مختلف:

در طول هشتاد سال اخیر در چند مقطع و دوره خاص، سیر صعودی مقالات را مشاهده می‌کنیم که در سه دوره، سیر صعودی هرم آشکارتر است. رویکردی تحلیلی به سیر نزولی و صعودی و رشد کمی مقاله‌ها در سنوات مختلف مبین این نکته است که عمده‌ترین دلیل سیر صعودی مقاله‌ها در سال ۱۳۳۷ (۱۴ مقاله) به نسبت سال ۱۳۳۸ که تنها یک مقاله چاپ شده این است که در این سال همایش یادنامه مولوی برگزار شده و ۱۲ مقاله از ۱۴ مقاله فوق مربوط به این همایش بوده است. در واقع عمده‌ترین دلیل سیر صعودی مقاله‌ها در حوزه مولاناشناسی و مثنوی پژوهی در این سال، برگزاری این همایش بوده که از محققان و جامعه دانشگاهی کشور خواسته که مقاله‌هایی درباره مولانا و مثنوی تالیف و عرضه کنند.

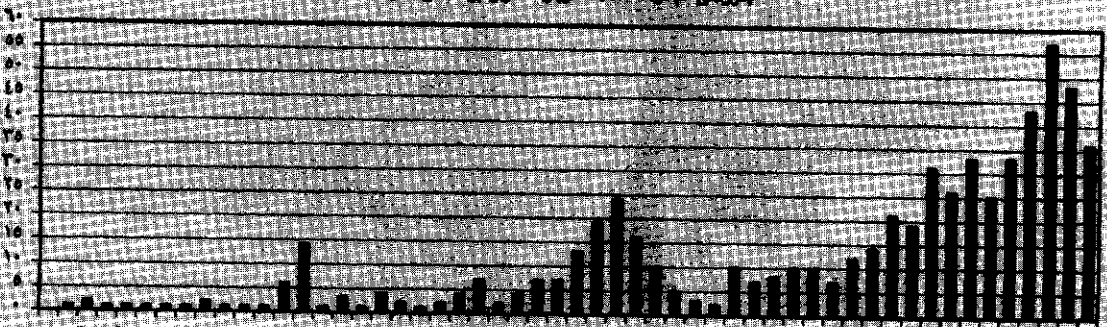
سیر صعودی دیگری که در نمودار قبل چشمگیر است مربوط به ۴ سال ۱۳۵۵-۱۳۵۲ است. در طول این چهار سال مجموعاً ۷۲ مقاله نوشته شده که بیشترین آن مربوط به سال ۱۳۵۴ (۲۴ مقاله) بوده است.



رویکرد دیگر آماری بر اساس سنوات تالیف و چاپ نشان می‌دهد که کمترین تعداد مقاله به غیر از سنوات ۱۳۱۲ - ۱۳۰۰ / ۱۳۱۶ / ۲۲ - ۲۹ / ۱۳۱۸ - ۱۳۲۵ / ۱۳۳۳ / ۱۳۴۱ / ۱۳۵۹ / ۱۳۶۱ که هیچ مقاله نوشته نشده، مربوط به سال‌های ۱۳۱۳ / ۱۳۱۵ / ۱۳۱۷ / ۱۳۲۳ / ۱۳۲۴ / ۱۳۳۰ / ۱۳۳۲ / ۱۳۳۴ / ۱۳۳۵ / ۱۳۳۸ / ۱۳۴۰ / ۱۳۴۴ است که هر سال تنها یک مقاله درباره مثنوی معنوی منتشر شده است. ضمن اینکه بیشترین تعداد مقاله‌ها مربوط به سال ۱۳۷۸ بوده که ۵۷ مقاله نوشته و منتشر شده است. در بین سال‌های قبل از انقلاب اسلامی نیز، سال ۱۳۵۴ با ۲۴ مقاله بیشترین تعداد مقاله‌ها را به خود اختصاص داده است که به دلایل آن بعداً اشاره خواهد شد. (ر. نمودار ذیل)



نمودار سیر صعودی مقالات قبل و بعد از انقلاب



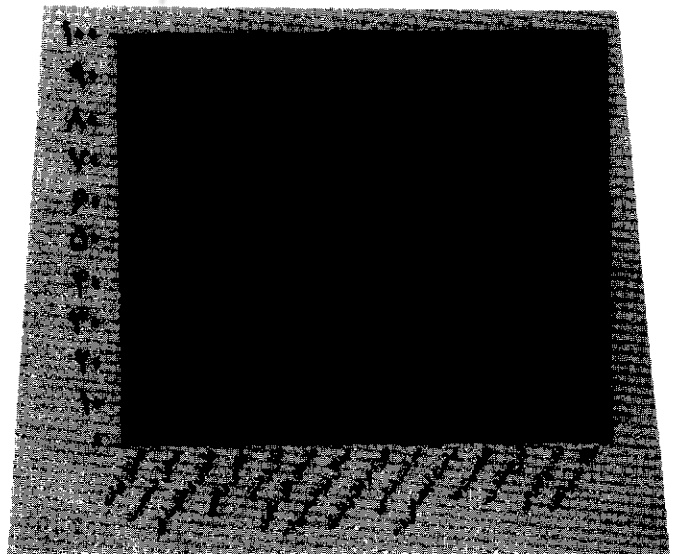
عمده‌ترین دلایل رشد و سیر صعودی نسبت به سنوات قبل و بعد نیز، برگزاری چهارمین و ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، همایش مجلس مولانای بلخی و کنگره بررسی‌هایی درباره مولانا است که از رشد و بلوغ فکری ایرانیان و توجه روزافزون آنها به مشاهیر و چهره‌های شاخص ادبی حکایت دارد. ضمن اینکه سه سال ۶۰-۱۳۵۷ بر خلاف ۴ سال گذشته رشد مقاله‌ها سیر نزولی پیدا کرده و تنها ۱۰ مقاله در طول این سال‌ها نوشته شده است که عمده‌ترین دلایل آن، علاوه بر مسائل اجتماعی و سیاسی و تحولات طبیعی بعد از انقلاب، به جنگ تحمیلی و نابسامانی فرهنگی و درگیری‌های داخلی و خارجی و... بر می‌گردد. اما بالاترین درجه رشد و سیر صعودی مقاله‌های درباره مثنوی در تمام این ادوار و سده اخیر مربوط به سه سال ۱۳۷۹-۱۳۷۷ بوده که ۱۴۸ مقاله در طول این مدت نگاشته و چاپ شده است که بالاترین هرم اختصاص به سال ۱۳۷۸ دارد که ۵۷ مقاله در این سال درباره مولانا در نشریات داخلی (مجلات ۳۶ مقاله و روزنامه ۲۱ مقاله) نوشته و چاپ شده است. عمده‌ترین عوامل این رشد علاوه بر اهتمام و جدیت دست‌اندرکاران امور فرهنگی و سعی آنها در رشد و بالا بردن کمیّت و کیفیت مقاله‌های فارسی در داخل و خارج، به برگزاری همایش‌های چون همایش شمس تبریزی در سال ۱۳۷۷ (۱۳ مقاله فقط درباره مثنوی) و تالیفات دکتر سروش و چاپ کتاب **قمار عاشقانه** (۱۰ مقاله فقط در کتاب حاضر) در این سال بر می‌گردد.

بررسی مقاله‌ها از دیدگاه موضوعی

در یک طبقه‌بندی کلی و بر اساس تقسیم‌بندی موضوعی؛ مجموع مقاله‌های درباره مثنوی را به دوازده گروه اصلی و دو گروه تحت عنوان مقاله‌های تک موضوعی و پراکنده می‌توان تقسیم کرد که بیشترین تعداد مقاله‌ها مربوط به موضوع‌های شروع، نقد و تصحیح (۹۳ مقاله)؛ عرفانی و فلسفی (۸۶ مقاله) و کمترین تعداد مقاله‌ها مربوط به موضوع اجتماعی و جامعه‌شناختی (۵ مقاله) است، ضمن اینکه از مجموع مقاله‌های موجود ۹ مقاله مقاله‌های تک موضوعی و ۲۵ مقاله، مقالات پراکنده و متفرقه بوده که به موضوعات آینه، علم، حواس، آب، ادب، عید، سیمرغ، بهار، کتاب و... در مثنوی پرداخته‌اند که نمودار ذیل هرم کمی موضوعات را به صورت مشخص نشان می‌دهد.

جدول آماری موضوعی و ساختاری مقالات

| ردیف | موضوع | تعداد |
|------|------------------------------------|-------|
| ۱ | مقاله‌های تک موضوعی (مثنوی، مثنوی) | ۵۷ |
| ۲ | مقاله‌های پراکنده | ۲۵ |
| ۳ | مقاله‌های اجتماعی و سیاسی | ۱۰ |
| ۴ | مقاله‌های فلسفی و عرفانی | ۸۶ |
| ۵ | مقاله‌های علمی و تخصصی | ۲۷ |
| ۶ | مقاله‌های تاریخی | ۲۶ |
| ۷ | مقاله‌های فرهنگی و اجتماعی | ۴۲ |
| ۸ | مقاله‌های علمی و فلسفی | ۱۵ |
| ۹ | مقاله‌های علمی | ۳۳ |
| ۱۰ | مقاله‌های فلسفی و جامعه‌شناختی | ۵ |
| ۱۱ | مقاله‌های فلسفی | ۸۱ |
| ۱۲ | مقاله‌های علمی و تخصصی | ۲۲ |
| ۱۳ | مقاله‌های علمی | ۹ |
| ۱۴ | مقاله‌های علمی | ۲۵ |
| ۱۵ | مجموع | ۵۵۰ |



انتحال‌ها و فقدان روش ارجاع دهی و عدم توجه به پیشینه پژوهش بوده که از آنها در این مختصر به دلیل پاره‌ای ملاحظات - صرف نظر می‌شود:

- مقاله‌هایی که به تحلیل تک بیت‌های مثنوی پرداخته‌اند ۷ مقاله بوده که، بیت «ماهی از سرگنده گردد نی زدم» دو مقاله (استاد همایی ۱۳۵۴ و کزازی ۱۳۷۶) در مجله **زبان و ادب** و بقیه مقالات درباره بیت خاصی از مثنوی است.

- تفسیر ابیاتی از نی نامه مولانا ۹ مرتبه به ترتیب در سال‌های ۱۳۱۵، ۱۳۴۷، ۱۳۴۹، ۱۳۶۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ انجام شده که غالب آنها به یک مسئله مشترک اشاره کرده و فاقد نکته بدیع هستند.

- در حوزه مقاله‌های تطبیقی و مقایسه‌ای؛ مقایسه سعدی و مولوی یک بار توسط محمد حیدر خان ژوبل در مجله **عرفان** (۱۳۳۱) و بار دیگر در سال ۱۳۵۳ به قلم محیط طباطبایی در مجله **گوهر** به چاپ رسیده البته همین مقاله بار دیگر در سال ۱۳۵۷ در مجموعه گفتارها نیز مجدداً به چاپ رسیده است. همچنین در همین حوزه (ادبیات تطبیقی) مقایسه مولوی و تاگور در دو مقاله در سال ۱۳۵۴ (مجله ادب، روان فرهادی) و ۱۳۷۷ (مجموعه مقالات ششمین همایش زبان فارسی، پروین دخت مشهور) به چاپ رسیده که مقاله اخیر بدون اشاره به مقاله پیشین چاپ و منتشر شده است.

- در بخش تأثیر قرآن در مثنوی نیز مقاله‌های متعددی در سال‌های ۱۳۵۰، ۱۳۵۴، ۱۳۶۷، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴ و ۱۳۸۰ نوشته شده که مقاله‌های ادوار اخیر غالباً فاقد نکته تازه و بدیع است، ضمن اینکه این مقاله‌ها از مقاله‌های گذشته نیز ذکری به میان نیاورده‌اند.

- در بخش بررسی شخصیت‌های تاریخی در مثنوی نیز مقاله‌های متعددی درباره سیمیا و اقوال حضرت علی ۱۰ مقاله، حضرت رسول ۹ مقاله، حسام‌الدین ۳ مقاله، حضرت ابراهیم ۲ مقاله در مثنوی به ترتیب نوشته شده که غالب مقاله‌های متأخر از مقاله‌های متقدم سخنی به میان نیاورده‌اند.

- در بخش دوم (تطبیقی و مقایسه‌ای) مقایسه مولانا با مشاهیر ادبیات غربی (امرسون، رمبو، فروید، تولستوی، ویتمن، یاسپرس، بلیک، کوئیلو، دانتیه و شکسپیر) بیشترین تعداد مقاله را به خود اختصاص داده است. (۹ مقاله)

- در بخش مقاله‌های مربوط به مقایسه مولوی با مشاهیر ادبیات عرب (۵ مقاله) بیشترین تعداد مقاله مربوط به مقایسه مولوی با ابن عربی (۳ مقاله) است.

- در بخش مقاله‌های مربوط به مقایسه مولوی با مشاهیر شبه قاره (۱۵ مقاله) مقایسه مولانا با اقبال (۶ مقاله) بیشترین تعداد مقاله را شامل می‌شود.

- در بخش مقاله‌های مربوط به داستان‌های مثنوی (بخش ششم) بیشترین تعداد مقاله مربوط به تحلیل داستان پادشاه و کنیزک (۱۰ مقاله) ۷ و طوطی و بازارگان (۶ مقاله) است.

- در بخش مقاله‌های مربوط به مباحث عرفانی، دین و فلسفه (بخش هشتم) بیشترین تعداد مقاله مربوط به عرفان (۵۰ مقاله) است. - در بخش مقاله‌های مربوط به عرفان و مثنوی بیشترین تعداد مقاله

| | | |
|----|-----------------------------------|---|
| ۱ | تحلیل ابیات (۲۲) | یک بیت (۲) توحید (۲) نی نامه (۱۲) احاطت منظومه (۲) |
| ۲ | شخصیت مولوی (مولوی شناسی) (۴۹) | شخصیت و اندیشه مولوی (۳۹) مولوی و فلسفه (۲) مولوی و فلسفه اخلاق عرفان (۸) مولوی و تعلیمات علم دین (۲) مولوی در ادب (۳) مولوی و ترجمه (۸) عمر و اختصار (۳) |
| ۳ | تطبیقی و مقایسه‌ای (۷۵) | طیبت و عبادت مولود (۲) تاریخ (۲) کلام (۲) بازرگان (۲) |
| ۴ | جنبه‌های فقهی و کلامی (۱۷) | |
| ۵ | عقال (۵) - عشق (۱۲) | |
| ۶ | داستان‌های مثنوی (۲۴) | پادشاه و کنیزک (۲) تولستوی و ابن عربی (۲) عمر و اختصار (۳) تاریخ و بیان (۲) تولستوی و شیطان (۲) وکیل سر جهان (۲) کابل در خانه لایک (۳) مطوبه و لایس (۲) سجاد میخانه کشی (۲) بازرگان (۲) تولستوی (۲) سازگاریها (۸) چند داستان (کلی) (۱۳) |
| ۷ | مسائل زیباشناختی (۲۶) | زبان و بازگویی (۵) عشق و سبک (۶) ادب و موسیقی (۲) کلیات مربوط به شعر (۸) دین (۵) |
| ۸ | دین، عرفان و فلسفه (۸۶) | عرفان (۵) تکات المثنوی (۱۲) |
| ۹ | معرفت شناسی (۲۴) | حسی شناسی (۱۱) شناس شناسی (۱۱) روانشناسی (۲) |
| ۱۰ | شخصیت‌ها (۵۱) | پادشاه (۲) اهل بیت (۲) بازرگان (۲) |
| ۱۱ | بیانیت اجتماعی و جامعه‌شناختی (۵) | |
| ۱۲ | روح، نقد و تصحیح نسخ (۸۲) | تصحیح مثنوی (۳۲) تصحیح شناسی (۲) نقد و بررسی نظم و مقاله (۴۸) |
| ۱۳ | مقالات تک موضوعی (۶) | |
| ۱۴ | مقالات پیاپی (۲۵) | |

تحلیل کلی موضوعی مقالات:

پس از نگاه تفصیلی و تحلیل و مقایسه مجموعه مقالات درباره مثنوی با تأکید بر موضوع نتایج فراوان و در مواردی قابل تأمل به دست آمده که به چند مورد آن اشاره می‌شود. البته در چند مورد مربوط به

مربوط به موضوع مقامات و احوال عرفانی (۱) مقاله) ، خاموشی (۶ مقاله) مرگی (۶ مقاله) است .

بخش مقاله‌های مربوط به مثنوی و مباحث ادبی (۱۲ مقاله)

بخش مقاله‌های مربوط به تفسیر ابعاد و حیاتی مثنوی (۲) مقاله

در بین مقاله‌های مربوط به بخش (زدهم) بررسی شروع مثنوی (۱) ، شرح نیکلسون (۹ مقاله) ، شرح شهیدی (۵ مقاله) و شرح زمانی (۱ مقاله) به ترتیب بیشترین تعداد مقاله‌ها را به خود اختصاص داده‌اند .

بخش مقاله‌های مربوط به تصحیح نسخ و نسخه‌شناسی (۱۸ مقاله) بیشترین تعداد مقاله مربوط به بررسی نسخه قویه (۶ مقاله) است .

در بخش مقاله‌های مربوط به مقایسه مولوی با دیگر شخصیت‌های ایرانی (۱۴ مقاله) بیشترین تعداد مقاله مربوط به مقایسه مولوی با حافظ (۶ مقاله) است .

در بخش مقاله‌های مربوط به مقایسه مثنوی با دیگر آثار فارسی در ایران (۱۳ مقاله) مقایسه مثنوی با متون زرتشتی (۶ مقاله) بیشترین تعداد مقاله را شامل می‌شود .

در بخش مقاله‌های مربوط به جنبه‌های کلامی و فقهی (۱۷ مقاله) بیشترین تعداد مقاله مربوط به مسئله جبر و اختیار و قضا و قدر در مثنوی (۴ مقاله) است .

در پایان به پاره‌ای از نکات با عنوان تمه بحث و پژوهش اشاره می‌شود:

با نگاه اجمالی به مقاله‌های درباره مثنوی در دو نیمه سده اخیر (نیمه اول ۷۲ مقاله و نیمه دوم ۵۶۲ مقاله) رشد کمی مقالات در نیمه دوم (فقط ۳۰ سال آن: ۱۳۵۰-۱۳۸۰) ، تقریباً ۸۰٪ بوده است .

با مقایسه اجمالی مقالات دهه‌های مختلف (دهه اول تا هفتم ۲۶۹ مقاله و دهه هشتم ۳۶۳ مقاله) رشد کمی مقالات در دهه پایانی به نسبت دهه‌های گذشته تقریباً ۱۰۰٪ بوده است .

بیشترین مقالات چاپ شده در نشریات ، مربوط به مجله **کیهان فرهنگی** (۱۹ مقاله) - به فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ - و مجله **دانشگاه تهران** (۱۸ مقاله) - به فاصله سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۰ - است .

مهم‌ترین دلایل رشد کمی مقالات در دهه چهارم به نسبت ادوار

قبل و دهه شصت به نسبت دهه‌های گذشته ، برگزاری دو همایش یادآور مولوی در ۱۳۷۷ و پنجمین بررسی در سال ۱۳۷۷ ، بررسی از مقالات دوران (۱۶ مقاله) و سه بار (۶ مقاله) چاپ شده که دلایل چندین چاپ در مجله‌های سوم و پنجم اشاره کرد .

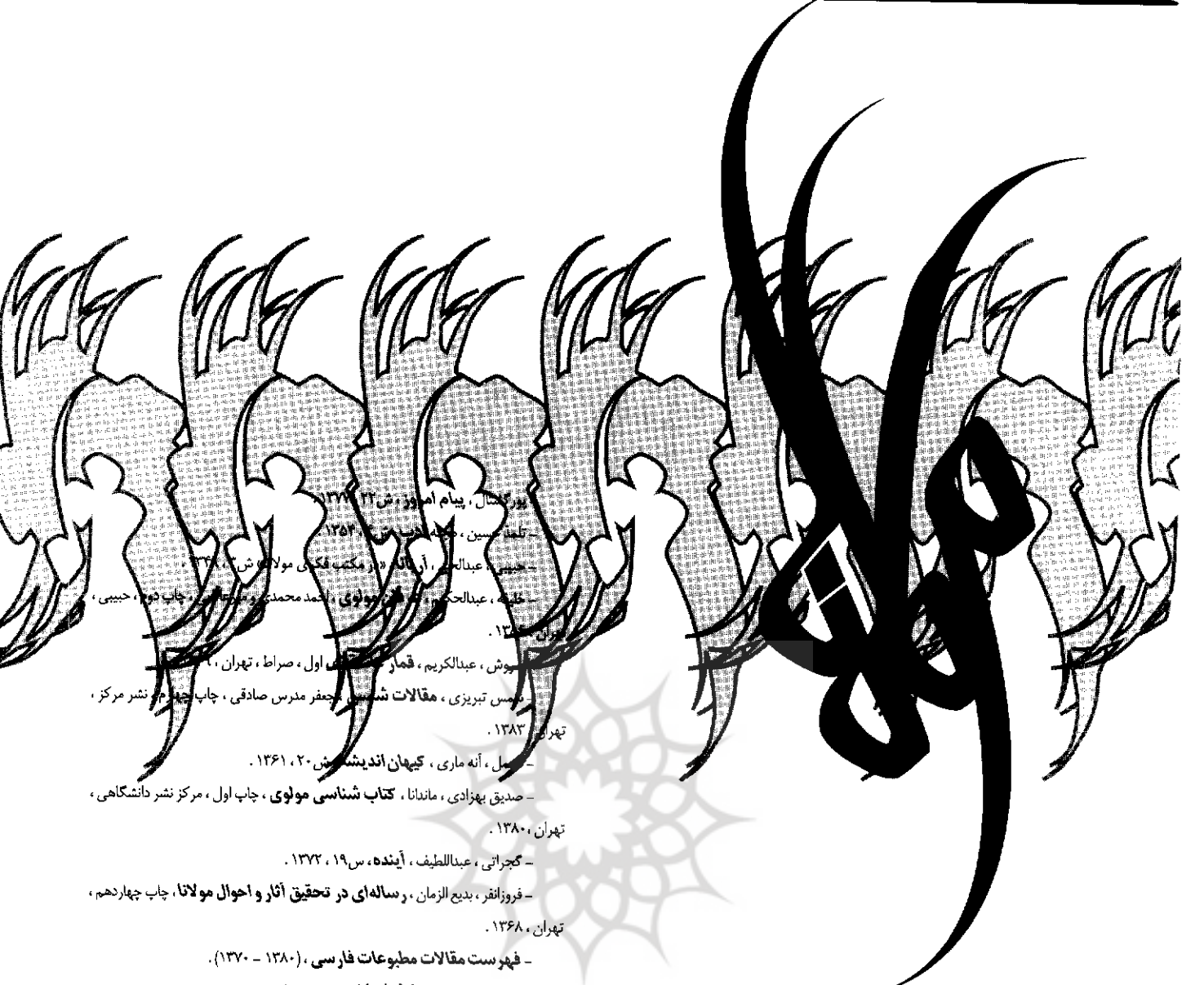
مقاله‌های مقالات دوره نخستین دهه سوم ، سوم ، چهارم و پنجم دلایل گوناگون چون تخصصی نبودن مجلات و فقدان مجلات متخصص به‌ش از آنکه در مقام داوری باشند و نکته بدیع و علمی مطرح کنند در مقام گردآوری بوده و تنها به نقل اطلاعات درباره مثنوی و مولانا بسنده کرده‌اند .

یکی از عمده‌ترین ضعف‌های مقاله‌های دهه نخستین این است که عموماً در مجلات دست سوم و بازاری (غیردانشگاهی) و جنگ‌ها به چاپ رسیده و منابع پایان متن و اصول و روش ارجاع دهی در آن رعایت نشده است .

با توجه به تعریف جدید مجلات علمی (ارائه یافته‌های بدیع پژوهشی و موضوعات تخصصی و تسلسل مستمر و قاصله منظم انتشار و ...) عمده مجلات غیردانشگاهی دهه‌های نخستین غیر علمی بوده و از نوع ترویجی (انتشار دانسته‌های علمی برای مخاطب عام) است .

پانویس:

- * عضو هیات علمی مرکز بین‌المللی تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس و عضو گروه ادبیات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی .
- ۱. شمس الدین محمد افلاکی ، **مناقب العارفین** ، تحسین یازجی ، چاپ دوم ، تهران ، دنیای کتاب ، ۱۳۶۲ ، صص ۱۳ - ۲۳ - ۳۳ - ۴۸۸۲ - ۱۵۲۳ - ۱۴۲۳ - ۱۳۲۳ - ۱۰۵۲ - ۱۵۲۳ - ۱۴۸۲ - ۱۵۲۳ - ۳۴۵۳ - ۲۲۲۳ - ۳۰۱۳ - ۳۰۰۳ - ۲۵۷۳ - ۲۵۷۳ - ۲۵۷۳ - ۱۳۹۲ - ۲۰۸۲ - ۴۰۳ - ۲۶۲۳ - ۱۴۸۲ - ۹۳ - ۳۴۲۳ - ۱۰۰۳ - ۶۷۳ - ۶۳۳ - ۶۴۳ - ۹۵۳ - ۵۶۷۳ - ۵۸۰۳ ...
- ۲. محمدعلی جمالزاده ، **مجله آبی** ، مجله آبی ، پاریس ، ۱۹۲۴ .
- ۳. جلال‌الدین همایی ، **مقالات ادبی** ، جلد ۱ ، چاپ هفتم ، تهران ، انتشارات هما ، ۱۳۶۹ ، ص ۳۱۴ .
- ۴. افلاکی ، پیشین ، ص ۲۰۰/۳ .
- ۵. همان ، ص ۲۸۸۳ .



۶. به عنوان نمونه در لغت‌نامه دهخدا که در حکم بزرگ‌ترین دایره‌المعارف فارسی است تنها ۷ ستون (بند) درباره مولانا سخن گفته شده در حالی که ۴۸ ستون آن به حافظ اختصاص دارد. کم‌توجهی فرهنگ‌یاد شده به مولوی با این مقایسه چندان محسوس نیست وقتی درباره شاعر گمنامی چون اثیرالدین اومانی ۱۶ ستون سخن گفته این بی‌توجهی محسوس‌تر جلوه می‌نماید.

۷. نگارنده مقاله‌ای درباره داستان پادشاه و کتیزک نوشته که ضمن نقد کلیه مقاله‌های درباره این داستان تفسیر و قرائت نواز آن ارائه داده است. (در نوبت چاپ در دانشگاه تهران)

منابع:

- ارنست، کارل، پیام کتابخانه، ش ۲۲، ص ۱، ۱۳۷۰.

- اسلامی‌نوشین، محمد علی، هستی، دنیای دلخواه جلال‌الدین مولوی، ش ۱، ۱۳۷۹.

- افشار، ایرج، فهرست مقالات ایرانی‌شناسی، انجمن کتاب، ۲۵۳۶.

- افشار، ایرج، فهرست مقالات فارسی، (مجموعه پنج جلدی)، ۱۳۸۳.

- افلاکی، شمس‌الدین احمد افلاکی، مناقب العارفین، تحسین یازبجی، چاپ دوم، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.

- بارس، موریس، هلال، ش ۳، ۱۳۳۶.

- براون، ادوارد، مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، محمد عباسی، اول، معرفت، ۱۳۳۷.

- پاشا، عابدین، دانشکده ادبیات تبریز، ش ۲، ۱۳۳۷.

- مرتضوی، منوچهر، عشق از نظر مولانا جلال‌الدین، دانشکده ادبیات تبریز، ش ۱، ص ۳۴۱۳، ۷.

- مولانا از دیدگاه ترکان و ایرانیان، اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.

- مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی مولوی، نیکلسون، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۵.

- نیکلسن، رینولد، جلال‌الدین محمد رومی، ارهغان، ش ۶-۵، ص ۳۷، ۱۳۴۷.

- همایی، جلال‌الدین، مولوی نامه، چاپ هفتم، تهران، هما، ۱۳۶۹.

- یادنامه مولوی (به مناسبت هفتصدمین سال مولانا جلال‌الدین)، علی‌اکبر مشیر سلیمی، چاپ اول، تهران، انتشارات کمیسون ملی یونسکو، ۱۳۳۷.

- Lewis Franklin, Rumi past and present east and west Oxford. 2001.